

Received: 2025/1/19

Accepted: 2025/7/13

from 1 to 21

Azadeh Abbasi

Associate Professor, Department of Quran, Faculty of Quran, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
abbasi.a@qhu.ac.ir

Mohammad Taghi Sobhaninia

Associate Professor, Ethics Group, Faculty of Islamic Studies, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran.
sobhaninia.m@qhu.ac.ir

Fatemeh Hesni

PhD Student, Department of Quran, Faculty of Quran, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran
fatemehhesni@gmail.com

Keywords:

Quran, Gospel, Social Education, Social Capital, Rights.

A Comparative Study of the Foundations of Social Education in the Quran and the Gospel (Based on Social Capital Theory)

Abstract

Social education is of fundamental importance as a basis for the formation and dynamism of human societies, making the manner of its conceptualization across different religions a worthy subject of investigation. This study employs an analytical-comparative methodology to examine the foundations of social education in the Quran and the Gospel, utilizing the framework of social capital theory. With its three primary indicators—bonding, bridging, and linking social capital—this theory provides a suitable framework for analyzing social relationships and their role in societal development and cohesion. In the realm of bonding social capital (intra-group ties), the Quran emphasizes an education rooted in respect, responsibility, and order within the family, alongside broader social participation and societal reform. The Gospel, in contrast, focuses on an education grounded in love, self-sacrifice, and the expansion of the scope of social relationships. Regarding bridging social capital (inter-group ties), the Quran advocates for an education based on logic, reason, the preservation of rights, and justice. Conversely, the Gospel centers on an education characterized by forgiveness, forbearance, tolerance, and love for one's fellow human beings. In the context of linking social capital (connections to institutions), the Quran promotes education for active and responsible participation in society and the strengthening of Islamic societal institutions (e.g., the family, religious bodies). The Gospel, however, concentrates on education for obedience to governing authorities and service to all members of society, irrespective of their faith or beliefs. Ultimately, the Quran presents a model of social education that stresses a balance between rights and duties, social justice and order, and active civic participation. In contrast, the Gospel recommends a model predicated on love, altruism, forgiveness, and unconditional service to others.

بررسی تطبیقی مبانی تربیت اجتماعی در قرآن و انجیل (با تکیه بر نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۲۲
از صفحه ۱ تا صفحه ۲۱

چکیده

تربیت اجتماعی، به عنوان بستری برای شکل‌گیری و پویایی جوامع انسانی، از اهمیت بنیادینی برخوردار است و چگونگی شکل‌گیری آن در ادیان مختلف، موضوعی قابل بررسی است. این پژوهش با روش تحلیلی-تطبیقی، به بررسی مبانی تربیت اجتماعی در قرآن و انجیل با تکیه بر نظریه سرمایه اجتماعی می‌پردازد. نظریه سرمایه اجتماعی، با سه شاخص اصلی پیوندهای اجتماعی، پل‌های اجتماعی و پیوند با نهادها، چارچوبی مناسب برای تحلیل روابط اجتماعی و نقش آنها در توسعه و انسجام جامعه فراهم می‌کند. در حوزه پیوندهای اجتماعی، قرآن بر تربیت بر پایه احترام، مسئولیت‌پذیری و نظم در خانواده و مشارکت اجتماعی و اصلاح جامعه در سطح وسیع‌تر تأکید دارد، در حالی که انجیل بر تربیت بر پایه محبت، فداکاری و گسترش دایره شمول روابط اجتماعی تمرکز دارد. در سطح پل‌های اجتماعی، قرآن بر تربیت بر پایه منطق، استدلال، حفظ حقوق و عدالت تأکید می‌کند، در حالی که انجیل بر تربیت بر پایه بخشش، گذشت، تحمل و محبت به هم‌نوع تمرکز دارد. در زمینه پیوند با نهادها، قرآن بر تربیت برای مشارکت فعال و مسئولانه در جامعه و تقویت نهادهای جامعه اسلامی (خانواده، نهادهای دینی) تأکید دارد، در حالی که انجیل بر تربیت برای اطاعت از حکومت و خدمت به همه افراد جامعه، صرف نظر از دین و باورشان، تمرکز دارد. قرآن الگویی از تربیت اجتماعی را ارائه می‌دهد که بر تعادل میان حقوق و تکالیف، عدالت و نظم اجتماعی، و مشارکت فعال در جامعه تأکید دارد. در مقابل، انجیل الگویی مبتنی بر محبت، ایشار، گذشت و خدمت بی‌قید و شرط به هم‌نوع را توصیه می‌کند.

آزاده عباسی

دانشیار، گروه قرآن، دانشکده قرآن،
دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)
abbasi.a@qhu.ac.ir

محمدتقی سبحانی‌نیا

دانشیار، گروه اخلاق، دانشکده
معارف، دانشگاه قرآن و حدیث، قم،
ایران.
Sobhaninia.m@qhu.ac.ir

فاطمه حسنی

دانشجوی دکتری، گروه قرآن،
دانشکده قرآن، دانشگاه قرآن و
حدیث، تهران، ایران.
fatemehesni@gmail.com

واژگان کلیدی:

قرآن، انجیل، تربیت اجتماعی،
سرمایه‌ی اجتماعی، حق.

تربیت اجتماعی فرایندی هدفمند و آگاهانه است که به پرورش افراد برای زندگی در جامعه و تعامل سازنده با دیگران می‌پردازد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۷۰). این فرایند به افراد می‌آموزد چگونه هنجارها، ارزش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی را درک و رعایت کنند و در نهایت، به شهروندانی شایسته و مفید برای جامعه تبدیل شوند (اسلامی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۳۲). در واقع، تربیت اجتماعی صرفاً آموزش مجموعه‌ای از مهارت‌های اجتماعی نیست، بلکه به معنای درونی‌سازی اصولی اخلاقی و رفتاری است که فرد را قادر به مشارکت فعال و مسئولانه در جامعه می‌سازد. نکته‌ی مهم این است که تربیت اجتماعی در امتداد و مکمل تربیت فردی است (صیامی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۴۸۶)؛ به عبارت دیگر، شخصی که تربیت فردی صحیحی نداشته باشد و به خودشناسی، خویشتن‌داری و مسئولیت‌پذیری فردی نرسیده باشد، نمی‌تواند به معنای واقعی کلمه، اجتماعی تربیت شود و نقشی سازنده در جامعه ایفا کند. از سوی دیگر، تربیت اجتماعی چون به صورت جمعی ظهور و بروز پیدا می‌کند، آینه‌ای از سطح فرهنگ و تمدن یک جامعه است (افقری و منتظرالقائم، ۱۴۰۲، ص ۱۰۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۴۴). میزان پایبندی به قوانین، احترام به حقوق دیگران، روحیه همکاری و مشارکت جمعی، همگی نشانه‌هایی از کیفیت تربیت اجتماعی در یک جامعه هستند و به‌طور مستقیم بر سطح پیشرفت و تعالی آن جامعه تأثیر می‌گذارند؛ به عبارتی، تمدن‌های پیشرفته حاصل جوامعی هستند که در تربیت اجتماعی شهروندان خود موفق عمل کرده‌اند.

در بستر تاریخ و تمدن بشری، فرهنگ‌ها و تمدن‌های مبتنی بر ادیان الهی نقشی محوری و بنیادین در شکل‌دهی به زندگی اجتماعی انسان‌ها ایفا نموده‌اند (ارشادی مقدم، ۱۳۹۵، ص ۷۴). این فرهنگ‌ها با دامنه‌ای وسیع و عمیق، نه تنها در حوزه دین و مذهب، بلکه در جریان‌های فلسفی، هنری و ادبی نیز تأثیری ژرف و ماندگار برجای نهاده‌اند. تجلیات بارز این تأثیرگذاری عمیق از معماری متعالی ابنیه‌ی مذهبی (زندیه، ۱۳۹۸) تا آثار ادبی کلاسیک (ممتحن و گردآفرین، ۱۳۹۱) مشهود است. با توجه به این نفوذ گسترده بدیهی است که این تمدن‌های الهی در زمینه‌ی ساماندهی تعاملات پیچیده‌ی اجتماعی و ارائه‌ی راهکارهایی برای بهبود روابط انسانی واجد محتوایی غنی و قابل تأمل باشند (قلی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲). ادیان توحیدی با تأکید بر مفاهیمی چون عدالت، رحمت، مغفرت، همدلی و مسئولیت‌پذیری، چهارچوبی اخلاقی برای مناسبات اجتماعی ترسیم می‌کنند و راهبردهایی عملی برای حل و فصل منازعات، تقویت انسجام اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر صلح و دوستی ارائه می‌دهند (نوایی، ۱۳۹۱، ص ۶۸). شواهد تاریخی مؤید تأثیرات شگرف این ادیان در تحول روابط اجتماعی و ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار جوامع مختلف است. از الغای برده‌داری (رحیمی و امین‌پور، ۱۴۰۳، ص ۵۰) تا ترویج حقوق بشر (حسینی و محمدزاده، ۱۳۹۶، ص ۸۵)، از تأسیس نهادهای خیریه تا حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، همگی ریشه در آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی ادیان الهی دارند. این ادیان نه تنها با ارائه‌ی اصول کلی برای حیات اجتماعی، بلکه با الهام‌بخشی به جنبش‌های اجتماعی و اصلاح‌طلبانه، نقشی فعال در بهبود

شرایط زندگی انسان‌ها و ایجاد جوامع عادلانه‌تر ایفا کرده‌اند.

با وجود اشتراکات بنیادین ادیان الهی، تفاوت در زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی و وقایع پس از رحلت پیامبران، به شکل‌گیری جهان‌بینی‌های متفاوتی در این ادیان درباره‌ی انسان و جهان منجر شده است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۴۶۶-۴۶۸). علاوه بر این، تفاوت در ماهیت و نحوه‌ی تدوین کتب مقدس عامل تعیین‌کننده‌ی دیگری در ایجاد این تمایزات به‌شمار می‌رود. قرآن کریم به‌عنوان کلام وحی الهی، نص واحد و غیرقابل‌تغییر دارد، درحالی‌که اناجیل چهارگانه به‌عنوان روایت‌هایی از زندگی و تعالیم حضرت عیسی^(ع)، توسط افراد مختلف نوشته‌شده و حاوی تفاسیر انسانی است. این امر به‌وضوح میزان قطعیت و یقین موجود در قرآن را در اناجیل کاهش داده و زمینه‌ی بروز خوانش‌ها و تفسیرهای متعدد را فراهم کرده است؛ درنتیجه، دخالت عنصر انسانی در نگارش اناجیل به بروز تفاوت‌هایی در ابعاد مختلف، به‌ویژه در حوزه‌ی تربیت اخلاقی فردی و اجتماعی انجامیده است؛ ازاین‌رو، اگرچه اسلام و مسیحیت هر دو در زمره‌ی ادیان توحیدی قرار می‌گیرند؛ اما تمایزهای ظریفی در رویکرد آن‌ها به تربیت اجتماعی مشاهده می‌شود که ریشه در متون مقدس آن‌ها، یعنی قرآن و اناجیل چهارگانه دارد. این تفاوت‌ها نقطه‌ی عزیمت مطالعه‌ی تطبیقی حاضر را برای بررسی مبانی تربیت اجتماعی در این دو دین تشکیل می‌دهد.

به‌منظور بررسی تطبیقی مبانی تربیت اجتماعی در قرآن و انجیل، از متون مختلف انجیل استفاده‌شده است. انجیل به‌عنوان یک مجموعه متون دینی شامل روایت‌ها و تعالیم متنوعی است که در آن پیام‌های اخلاقی، اجتماعی و معنوی مطرح شده‌اند. با توجه به تنوع موجود در متون انجیلی ازجمله متی، لوقا، یوحنا، افسسیان، رومیان، تیموتائوس و یعقوب، این متون به علت تأکید بر مفاهیم تربیتی و اجتماعی انتخاب شده‌اند. هریک از این متون به‌گونه‌ای خاص به مباحث مرتبط با تربیت اجتماعی پرداخته‌اند؛ به‌عنوان مثال، متی و لوقا به‌عنوان بخشی از انجیل‌های چهارگانه، به اصول اخلاقی و رفتاری جامعه مسیحی می‌پردازند، درحالی‌که یوحنا بیشتر بر ابعاد معنوی و عرفانی تأکید دارد. افسسیان و رومیان نیز به‌عنوان رسالات پولس، به مسائل اجتماعی و سازمان‌دهی جامعه مسیحیان می‌پردازند؛ همچنین یعقوب و تیموتائوس به مباحث عملی و اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی توجه ویژه‌ای دارند.

در این پژوهش تلاش شده است تا با رویکردی تطبیقی، مبانی تربیت اجتماعی در قرآن و انجیل بررسی شود. پرسش‌های اصلی پژوهش شامل این موضوعات است: چگونه می‌توان مبانی تقویت پیوندهای اجتماعی (مانند اعتماد و انسجام درون‌گروهی) را در فرایند تربیت اجتماعی در قرآن و انجیل تحلیل کرد؟ آیات قرآن و متون انجیل چه مؤلفه‌هایی را برای ایجاد پل‌های اجتماعی (همچون روابط و همکاری بین‌گروهی) در فرایند تربیت اجتماعی ارائه می‌دهند؟ و درنهایت، چگونه پیوندهای اجتماعی با نهادها (مثل اعتماد و مشارکت در نهادها) در آیات قرآن و انجیل طبقه‌بندی و تحلیل می‌شوند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا به استخراج مفاهیم و آیات مرتبط از قرآن و متون انجیل پرداخته‌شده است؛ سپس با استفاده از نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان چهارچوب نظری پژوهش، این مفاهیم تحلیل و مقایسه شده‌اند. این رویکرد به ما اجازه

می‌دهد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در مبانی تربیت اجتماعی در این دو منبع الهی را به‌صورت دقیق و علمی بررسی کنیم.

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد مختلف تربیت اجتماعی در قرآن و سایر کتب مقدس پرداخته‌اند. سلطانی رنانی (۱۳۹۲) با رویکردی تفسیری به قرآن و با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبایی، چهارچوبی برای تربیت اجتماعی در اسلام ارائه می‌دهد و بر پیوند ناگسستنی سعادت فرد و جامعه در این چهارچوب تأکید می‌کند. او مفاهیمی چون تقوا، عدالت اجتماعی، وحدت و امنیت را به‌عنوان پایه‌های اخلاقی تربیت اجتماعی در قرآن معرفی می‌کند. در مطالعات تطبیقی، مجید و شایانی (۱۳۹۴) با مقایسه‌ی ارزش‌های اخلاق اجتماعی در قرآن و عهدین، به بررسی اشتراکات و تفاوت‌های این دو منبع در زمینه‌ی مبانی تربیت اجتماعی پرداخته‌اند. آنان ارزش‌هایی چون صداقت، عدالت، عفت و تعاون را به‌عنوان ارزش‌های مشترک اخلاقی در قرآن و عهدین معرفی می‌کنند. فرح‌بخش و علوی (۱۳۹۵) نیز با مقایسه‌ی دیدگاه قرآن و انجیل نسبت به دنیا، سه ویژگی مشترک دنیا (فریبندگی، ناپایداری و مزرعه آخرت بودن) و استلزامات تربیتی ناشی از آن را استخراج کرده‌اند. این دو پژوهش با اتخاذ رویکردی تطبیقی، زمینه‌های مشترک و متفاوت تربیت اجتماعی در قرآن و انجیل را بررسی نموده‌اند. نصیری خلیلی (۱۳۹۷) در رساله‌ی دکتری خود با عنوان بررسی تطبیقی رابطه‌ی قلبی انسان با خدا و آثار تربیتی آن از منظر قرآن و عهد جدید، به این نتیجه رسید که قلب انسان به‌عنوان خاستگاه ادراکات و احساسات، نقش محوری در ارتباط او با خدا دارد. مهم‌ترین شاخص‌های این ارتباط شامل ایمان، محبت، توبه، دعا، توکل، شکر و ذکر است که هر یک آثار تربیتی عمیقی در زندگی فردی و اجتماعی دارند؛ از جمله اطمینان قلبی، آرامش و نجات معنوی. بررسی مقایسه‌ای نشان داد که معارف قرآنی نسبت به تعالیم عهد جدید از جامعیت، دقت و هدفمندی بیشتری برخوردارند و به سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌پردازند، حال آنکه عهد جدید بیشتر بر امور دنیوی تأکید دارد. شجاعی، باطنی و حسینی نیک (۱۴۰۱) نیز با تحلیل محتوای آیات قرآن، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی و دینی را از دیدگاه این کتاب مقدس استخراج کرده‌اند و بر پویایی و انطباق این اصول با تغییرات اجتماعی تأکید دارند. آنان روش‌هایی چون تجربه‌ی تاریخی و الگوپذیری را به‌عنوان روش‌های کارآمد تربیت اجتماعی و دینی مطرح می‌کنند. عبدالامیر (۱۴۰۲) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «تواضع و تکبر در قرآن کریم و انجیل: مطالعه‌ی تطبیقی» به این نتیجه رسید که تکبر به‌عنوان یک حالت تدریجی و احساسی است که از پیشینه‌های خاصی نشأت می‌گیرد و در صورت بی‌توجهی به آن می‌تواند فرد را به‌سوی سقوط معنوی و اخلاقی سوق دهد. او همچنین بیان کرد که تواضع نه‌تنها در قرآن کریم به‌عنوان اولین خصلت مؤمنان معرفی شده، بلکه در انجیل نیز به‌عنوان یکی از اصول بنیادین زندگی مسیحی مطرح است. حضرت عیسی^(ع) با رفتاری فروتنانه، از جمله شستن پاهای شاگردان و پذیرش تعمید از سوی یحیی، این ویژگی را به‌عنوان الگویی برای پیروان خود قرار داد. این پژوهش ضمن مقایسه‌ی

مفاهیم تواضع و تکبر در قرآن و انجیل، بر لزوم پرهیز از تکبر و تقویت تواضع به عنوان ابزاری برای دستیابی به صلح فردی و اجتماعی تأکید کرده است.

پژوهش حاضر در پی آن است که با اتخاذ رویکردی نوآورانه، خلأهای موجود در پژوهش‌های پیشین را پوشش دهد. نخستین و مهم‌ترین نوآوری این پژوهش استفاده از چهارچوب نظری سرمایه‌ی اجتماعی برای تحلیل و مقایسه‌ی مبانی تربیت اجتماعی در قرآن و انجیل است. علاوه بر این، تمرکز بر «مبانی» تربیت اجتماعی به جای «اصول» یا «روش‌ها»، نوآوری دیگر این پژوهش است. درحالی‌که مطالعات پیشین بیشتر به بررسی اصول و روش‌های تربیت اجتماعی پرداخته‌اند، این پژوهش به دنبال واکاوی بنیان‌های فکری و اعتقادی تربیت اجتماعی در قرآن و انجیل است. این رویکرد به درک عمیق‌تری از ریشه‌ها و پیش‌فرض‌های تربیت اجتماعی در این دو دین منجر می‌شود و زمینه را برای مقایسه‌ای اصولی‌تر و معنادارتر فراهم می‌کند.

۳- چهارچوب نظری

جیمز کلمن، جامعه‌شناس آمریکایی، در سال ۱۹۸۸ نخستین بار نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را مطرح کرد (Coleman, 1988) و سپس رابرت پاتنام در دهه‌ی ۱۹۹۰، آن را توسعه و تعمیم داد (Putnam, 1994). هدف اصلی این نظریه تبیین نقش روابط اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی و به‌ویژه «اعتماد» در ایجاد و حفظ نظم اجتماعی، تسهیل همکاری جمعی و ارتقای رفاه عمومی است. سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و روابط اجتماعی که موجب تسهیل همکاری میان افراد می‌شود، به‌مثابه نوعی «چسب اجتماعی» عمل می‌کند که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد و موجب انسجام و همبستگی اجتماعی می‌شود (Alpino, Mehlum, 2023). سه بُعد اصلی سرمایه‌ی اجتماعی یعنی پیوندهای اجتماعی، پل‌های اجتماعی و پیوندها با نهادها، هر یک به جنبه‌ای خاص از روابط اجتماعی اشاره دارند (Chetty, et al, 2022). پیوندهای اجتماعی به روابط قوی و معمولاً درون‌گروهی اطلاق می‌گردد که بر پایه‌ی اعتماد، همبستگی و حمایت متقابل استوار است. این پیوندها موجب انسجام درون گروه و ایجاد حس تعلق در میان اعضا می‌شود (Jhang, 2021). در مقابل، پل‌های اجتماعی به روابط ضعیف‌تر و معمولاً بین‌گروهی اشاره دارد که افراد را به شبکه‌های وسیع‌تر اجتماعی متصل می‌کند. این پل‌ها موجب تبادل اطلاعات، ایده‌ها و منابع میان گروه‌های مختلف می‌شوند و به گسترش همکاری و رفع تعارضات کمک می‌کنند. پیوندها با نهادها نیز به میزان اعتماد و مشارکت افراد در نهادهای اجتماعی مانند دولت، نظام آموزشی، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد دلالت دارد. این پیوندها موجب تقویت حس شهروندی، افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی و کارآمدی بیشتر نهادها می‌گردد (Claridge, 2018). در مجموع، این سه بُعد به‌طور هم‌افزا عمل می‌کنند و موجب تقویت سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه می‌شوند.

با توجه به تأکید نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بر اهمیت روابط اجتماعی و اعتماد در پیشرفت و تعالی جامعه می‌توان این نظریه را به حوزه‌ی تربیت اجتماعی نیز بسط داد (رسولی و همکاران،

۱۴۰۳، ص ۱۱۴). تربیت اجتماعی به‌عنوان فرایندی هدفمند برای پرورش شهروندانی مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو می‌تواند از مفاهیم و شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی برای تقویت ابعاد مختلف خود بهره‌بردار؛ به‌عنوان مثال، تأکید بر آموزش مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری، ارتباط مؤثر، حل مسئله و مدیریت تعارض می‌تواند به تقویت پیوندهای اجتماعی و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه منجر شود؛ همچنین ترغیب افراد به مشارکت در فعالیت‌های جمعی و عضویت در نهادهای اجتماعی می‌تواند به گسترش پل‌های اجتماعی و تقویت پیوندها با نهادها کمک کند.

۴- یافته‌ها

بخش یافته‌ها بر اساس چهارچوب نظری به سه بخش تقسیم می‌شود: پیوندهای اجتماعی، پل‌های اجتماعی و پیوند با نهادها. در هر بخش، با استفاده از مصادیقی از قرآن و انجیل، ابتدا چگونگی شکل‌گیری و برقراری آن نوع از ارتباط اجتماعی تشریح می‌شود و سپس بر اساس تحلیل انجام‌شده، مبانی تربیت اجتماعی مرتبط با آن بخش مشخص می‌گردد. در هر بخش ابتدا انجیل تحلیل شده و سپس دیدگاه قرآن آمده است تا خاصیت تمام‌کنندگی قرآن نسبت به ادیان پیشین بهتر درک شود.

۱-۴- پیوندهای اجتماعی

انجیل: مسیحیت در بنیاد خود بر عشق، خدمت و فداکاری تأکید دارد و این اصول به‌طور مستقیم با مفهوم پیوندهای اجتماعی مرتبط هستند. محبت به خدا و همنوع که دو فرمان اساسی مسیحیت محسوب می‌شوند، به ایجاد شبکه‌ای از روابط اجتماعی مبتنی بر همدلی، احترام و تعهد متقابل منجر می‌گردد. این پیوندها همان‌طور که پاتنم اشاره می‌کند، شبکه‌هایی نزدیک، مستحکم و پیوسته هستند که اغلب میان افراد با پیشینه‌های مشابه شکل می‌گیرند. مصادیق ذکرشده از انجیل عمدتاً بر تقویت پیوندهای اجتماعی در دو حوزه‌ی خانواده و جامعه‌ی ایمانی متمرکز هستند و می‌توان آن‌ها را در دو دسته طبقه‌بندی کرد: پیوندهای خانوادگی و پیوندهای مبتنی بر ایمان. آیات مربوط به وظیفه‌ی خدمت به خانواده مانند تأکید پولس رسول بر تأمین نیازهای خانواده در اول تیموتائوس (۵: ۸) و محبت به همسر در افسسیان (۵: ۲۵) و همچنین سپردن مادر به یوحنا توسط عیسی در یوحنا (۱۹: ۲۶-۲۷)، نمونه‌هایی از تقویت پیوندهای خانوادگی هستند. این دستورها با تأکید بر عشق، فداکاری و مسئولیت‌پذیری در قبال اعضای خانواده، به تحکیم بنیان خانواده، به‌عنوان هسته‌ی اصلی جامعه کمک می‌کنند. این نوع پیوند مصداق بارز پیوندهای اجتماعی است که موجب انسجام و همبستگی درونی خانواده می‌شود. از سوی دیگر، دستورهای مانند خدمت به ایتام و بیوه‌ها در یعقوب (۱: ۲۷) و دوست داشتن همسایه در متی (۲۲: ۳۷-۳۹)، به گسترش پیوندهای مبتنی بر ایمان در جامعه وسیع‌تر اشاره دارند. این آموزه‌ها با فراتر رفتن از دایره‌ی خانواده، افراد را به خدمت به نیازمندان و محبت به همنوع فرامی‌خوانند و به این ترتیب، شبکه‌ای از روابط اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های مشترک ایمانی را ایجاد می‌کنند. این

نوع پیوند نیز مصداقی از پیوندهای اجتماعی است؛ زیرا جامعه‌ی ایمانی را به‌عنوان گروهی همگن با ارزش‌های مشترک، به یکدیگر پیوند می‌دهد.

انجیل مبانی تربیت اجتماعی را در سطح پیوندهای اجتماعی با تمرکز بر دو حوزه‌ی اصلی، خانواده و جامعه‌ی ایمانی، ترسیم می‌کند. در سطح خانواده، محبت و فداکاری به‌عنوان ارزش‌های بنیادین مطرح می‌شوند. تأکید انجیل بر عشق به خدا و همنوع و تجلی بارز آن در فداکاری مسیح، محبت و فداکاری را به‌عنوان سنگ بنای تربیت معرفی می‌کند. این ارزش‌ها نقش اساسی در شکل‌گیری پیوندهای عاطفی عمیق و پایدار در خانواده ایفا می‌کنند و فضایی از صمیمیت، اعتماد و همدلی را ایجاد می‌نمایند؛ همچنین انجیل با تأکید بر خدمت به اعضای خانواده و تأمین نیازهای آنان، حس مسئولیت‌پذیری را در افراد تقویت می‌کند و به استحکام بنیان خانواده کمک می‌نماید. این مسئولیت‌پذیری در ابعاد مختلف روابط خانوادگی نمود پیدا می‌کند؛ محبت به همسر که در افسسیان (۵: ۲۵) به آن اشاره شده و با تشبیه آن به محبت مسیح به کلیسا، عمق و اهمیت آن نشان داده شده است و نیز مراقبت از والدین که در یوحنا (۱۹: ۲۶-۲۷) در واپسین لحظات زندگی عیسی مسیح به آن سفارش شده، نمونه‌های برجسته‌ای از این مسئولیت‌پذیری هستند. در سطح جامعه‌ی ایمانی، انجیل بر خدمت به دیگران، به‌ویژه نیازمندان مانند یتیمان و بیوه‌ها تأکید دارد و بدین‌وسیله حس همدلی، نوع‌دوستی و تعهد اجتماعی را در میان مؤمنان تقویت می‌کند. این خدمت نه‌تنها به رفع نیازهای مادی نیازمندان کمک می‌نماید، بلکه باعث تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر همیاری و تعاون می‌شود. علاوه بر این، دستور مهم «دوست داشتن همسایه همچون خود» (متی ۲۲: ۳۷-۳۹) دامنه‌ی پیوندهای اجتماعی را به فراتر از جامعه‌ی ایمانی گسترش می‌دهد و مؤمنان را به ایجاد روابط حسنه و مسالمت‌آمیز با همه‌ی افراد جامعه، صرف‌نظر از دین و باورشان تشویق می‌کند. این آموزه بر اهمیت احترام متقابل، مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه تأکید دارد و به ایجاد فضایی از صلح و آرامش کمک می‌کند. در مجموع، انجیل با تأکید بر محبت، فداکاری، مسئولیت‌پذیری، خدمت به دیگران و دوست داشتن همسایه، مبانی تربیت اجتماعی را در سطح پیوندهای اجتماعی به‌گونه‌ای ترسیم می‌کند که به شکل‌گیری خانواده‌های مستحکم، جوامع ایمانی همدل و روابط حسنه با همه افراد جامعه منجر می‌شود.

قرآن: در قرآن کریم، تأکید ویژه‌ای بر پیوندهای اجتماعی در سطوح مختلف، از خانواده تا جامعه و امت اسلامی وجود دارد. این تأکید با ارائه‌ی اصول اخلاقی و ارزشی بنیادین، چهارچوب جامعی برای ایجاد و تقویت این پیوندها فراهم می‌کند. در سطح خانواده، قرآن به‌طور خاص بر احسان به والدین (اسراء: ۲۳) تأکید دارد. این دستور نه‌تنها وظیفه‌ای اخلاقی، بلکه عامل مهمی در تقویت پیوندهای عاطفی و مسئولیت‌پذیری متقابل میان والدین و فرزندان است (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۶۴)، به‌ویژه در دوران کهن‌سالی والدین که نیاز به مراقبت و توجه بیشتری دارند؛ همچنین مسئولیت‌پذیری مردان در خانواده (نساء: ۳۴) به‌عنوان تأکیدی بر نقش آنان در تأمین مالی و حمایت از خانواده (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۵۴۳)، به استحکام و امنیت این نهاد اساسی

کمک می‌کند. مودت و رحمت میان زوجین (روم: ۲۱) نیز به‌عنوان پایه و اساس یک زندگی مشترک موفق، نقش مهمی در ایجاد آرامش (سیوطی، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۱۵۴)، صمیمیت و همبستگی در خانواده ایفا می‌کند؛ همچنین قرآن بر اهمیت انتخاب دوست و هم‌نشین تأکید دارد و دوستی با مؤمنان را عاملی برای تقویت ارزش‌های مشترک و همبستگی اجتماعی (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۳۷۵) و دوستی با دشمنان را موجب انحراف و ضعف ایمان می‌داند (مائده: ۵۱). این نوع پیوندها می‌توانند به انسجام درون‌گروهی کمک کنند.

قرآن کریم در سه سطح خانواده، جامعه و امت اسلامی، مبانی تربیت اجتماعی را ترسیم می‌نماید. در سطح خانواده، با تأکید بر احسان به والدین و احترام به سالمندان، مودت و رحمت میان زوجین و سرپرستی مردان به پرورش مسئولیت‌پذیری افراد کمک می‌کند. در سطح جامعه، دستورهای قرآن درباره‌ی نیکی به خویشاوندان و نیازمندان، حس نوع‌دوستی و کمک به دیگران را تقویت می‌کند و با تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، مشارکت اجتماعی و مسئولیت جمعی را پرورش می‌دهد. در سطح امت اسلامی، مفهوم «امت واحده» هویت جمعی مسلمانان را تقویت می‌نماید و حس تعلق به یک جامعه‌ی بزرگ‌تر را ایجاد می‌کند.

۴-۱-۱- مقایسه‌ی تطبیقی

مبانی تربیت اجتماعی در سطح پیوندهای اجتماعی از دیدگاه قرآن و انجیل، با وجود تأکید هر دو بر اهمیت روابط درون‌گروهی، در برخی جنبه‌ها تفاوت‌هایی دارند. هر دو کتاب بر اهمیت خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی تأکید می‌کنند و ارزش‌هایی مانند محبت، مسئولیت‌پذیری و احترام به بزرگ‌ترها را در این نهاد مورد توجه قرار می‌دهند. با این حال، انجیل با تأکید ویژه بر «محبت و فداکاری» و تجلی آن در فداکاری مسیح، بُعد عاطفی و ایثارگرانه‌ی روابط خانوادگی را برجسته‌تر می‌سازد. در مقابل، قرآن با تأکید بر «احسان به والدین» و «سرپرستی مردان»، بر جنبه‌های عملی و ساختاری روابط خانوادگی، مانند تأمین نیازها و حفظ نظم خانواده، تأکید بیشتری دارد. در سطح جامعه‌ی ایمانی یا جامعه به‌طور کلی، هر دو کتاب بر اهمیت خدمت به دیگران و کمک به نیازمندان تأکید دارند. انجیل با دستور «دوست داشتن همسایه همچون خود»، دایره‌ی شمول این خدمت را گسترده‌تر می‌کند و شامل همه‌ی افراد جامعه، صرف‌نظر از دین و باورشان می‌نماید. در مقابل، قرآن با تأکید بر «دوستی با مؤمنان و پرهیز از دوستی با دشمنان»، مرزهای مشخص‌تری برای روابط اجتماعی قائل می‌شود و بر تقویت پیوندهای درون جامعه‌ی ایمانی تأکید بیشتری دارد. با این حال، قرآن نیز با دستور به نیکی به خویشاوندان، یتیمان و مسکینان، بر اهمیت کمک به نیازمندان در جامعه تأکید می‌کند. در نهایت، هر دو کتاب هدف مشترکی در تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد جوامعی همدل و منسجم دارند؛ اما انجیل بر محوریت عشق و فداکاری و گسترش دایره‌ی شمول روابط اجتماعی تأکید بیشتری دارد، در حالی که قرآن بر جنبه‌های عملی و ساختاری روابط، حفظ نظم و عدالت در جامعه و تقویت پیوندهای درون جامعه‌ی ایمانی تمرکز بیشتری دارد.

۲-۴- پل‌های اجتماعی

انجیل: یکی از مهم‌ترین آموزه‌های انجیل برای ایجاد پل‌های اجتماعی، تأکید بر بخشش و گذشت است. عباراتی مانند «پدر آسمانی شما به شرطی خواهد بخشید که شما نیز آنانی را که به شما بدی کرده‌اند، ببخشید... هفتاد مرتبه، هفت مرتبه» (متی ۶: ۱۴ و ۱۸: ۲۲-۲۱ و ۱۸: ۳۵) نشان می‌دهد که بخشش نه تنها عملی فردی، بلکه اصل مهمی در روابط اجتماعی و به‌ویژه روابط بین‌گروهی است. بخشش و گذشت کینه‌ها و دشمنی‌ها را از بین می‌برد و زمینه را برای ایجاد روابط سالم و پایدار فراهم می‌کند. این آموزه به‌ویژه در شرایطی که بین گروه‌های مختلف اختلاف و درگیری وجود دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بخشش به‌عنوان یک پل ارتباطی عمل می‌نماید و امکان گفتگو و تفاهم را فراهم می‌سازد. آموزه‌ی «اگر کسی به تو زور گوید، با او مقاومت مکن حتی اگر به گونه‌ی راست تو سیلی زند، گونه‌ی دیگری را نیز پیش ببر تا به آن سیلی بزند» (متی ۵: ۳۹) نیز در همین راستا قابل تفسیر است. این آموزه بر تحمل و بردباری در برابر رفتارهای نامناسب دیگران تأکید دارد و از تشدید خشونت و درگیری جلوگیری می‌کند. این نوع رفتار می‌تواند به کاهش تنش‌ها و ایجاد فضایی برای گفتگو و مصالحه میان گروه‌های مختلف کمک نماید.

نکته‌ی بسیار مهم در آموزه‌های انجیل، دستور به نیکی حتی نسبت به دشمنان است. عباراتی مانند «دشمنان‌تان را دوست بدارید و به ایشان خوبی کنید... برای آنانی که به شما ناسزا می‌گویند و شما را آزار می‌دهند، دعای خیر نمایید» (لوقا ۶: ۳۵ و متی ۵: ۴۴) نشان می‌دهد که انجیل دایره‌ی پیوندهای اجتماعی را فراتر از گروه خودی گسترش می‌دهد و حتی شامل دشمنان نیز می‌شود. این آموزه نقش بسیار مهمی در ایجاد پل‌های اجتماعی ایفا می‌کند. دوست داشتن دشمنان به معنای نادیده گرفتن اختلافات و یا تأیید رفتارهای آنان نیست، بلکه به معنای پرهیز از کینه و انتقام و تلاش برای ایجاد روابط مسالمت‌آمیز است. در واقع، انجیل با این آموزه، به‌نوعی از «پلسازی رادیکال» دعوت می‌کند که حتی در شرایط دشمنی و اختلاف نیز، امکان ایجاد ارتباط و تفاهم را فراهم می‌سازد. در مجموع، می‌توان گفت که انجیل با تأکید بر بخشش، گذشت، تحمل، نیکی به دشمنان و دوست داشتن دیگران، مبانی محکمی برای ایجاد پل‌های اجتماعی و تعامل سازنده میان گروه‌های مختلف ارائه می‌دهد. این آموزه‌ها به کاهش تعارضات، تبادل اطلاعات و ایده‌ها و درنهایت، همزیستی مسالمت‌آمیز کمک می‌کنند.

مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه انجیل در سطح پل‌های اجتماعی، با توجه به آموزه‌های ارائه‌شده، در چهار شاخص اصلی و زیرشاخص‌های مرتبط با هر کدام دسته‌بندی می‌شود. شاخص نخست، بخشش و گذشت است که ریشه در آیاتی مانند متی ۶: ۱۴، ۱۸: ۲۱-۲۲ و ۱۸: ۳۵ دارد و بر اهمیت بخشش و گذشت از خطاهای دیگران، چه در سطح فردی و چه در سطح گروهی تأکید می‌کند. بخشش به‌عنوان پلی برای عبور از کینه‌ها و کدورت‌ها عمل می‌نماید و زمینه را برای آشتی و ایجاد روابط سالم فراهم می‌سازد. زیرشاخص‌های این شاخص عبارت‌اند از: بخشش بی‌قید و شرط (بخشیدن دیگران بدون چشم‌داشت به جبران)، فراموش کردن خطاهای گذشته (اجتناب از یادآوری

و سرزنش دیگران)، کنترل خشم و کینه (مهار کردن احساسات منفی) و آشتی و مصالحه (تلاش برای برقراری صلح). شاخص دوم، تحمل و نداشتن مقاومت در برابر بدی است که با استناد به متی ۵: ۳۹، بر اهمیت تحمل و صبر در برابر رفتارهای ناپسند دیگران تأکید دارد. مقاومت نکردن در برابر بدی نه به معنای پذیرش ظلم، بلکه به معنای جلوگیری از تشدید خشونت و ایجاد فرصت برای تفاهم و گفتگو است. زیرشاخص‌های این شاخص شامل صبر و بردباری (تحمل رفتارهای آزاردهنده بدون واکنش تند)، کنترل خشم (مهار کردن خشم و جلوگیری از خشونت) و گفتگو و تفاهم (تلاش برای حل اختلافات از طریق گفتگو) است. شاخص سوم، نیکی به دشمنان است که برگرفته از آیاتی مانند لوقا ۶: ۳۵ و متی ۵: ۴۴ است و بر لزوم رفتار نیکو و محبت‌آمیز حتی با دشمنان تأکید دارد. این یک اصل بنیادین در ایجاد پل‌های اجتماعی است؛ زیرا دشمنی و نفرت را به دوستی و محبت تبدیل می‌کند و زمینه را برای همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم می‌سازد. زیرشاخص‌های این شاخص عبارت‌اند از: دوست داشتن دشمنان (داشتن احساس محبت و دلسوزی)، دعای خیر برای دشمنان (طلب خیر و آمرزش)، کمک به دشمنان در هنگام نیاز (یاری رساندن در شرایط دشوار) و پرهیز از انتقام (خودداری از تلافی). درنهایت، شاخص چهارم، دوست داشتن دیگران است که با استناد به یوحنا ۱۳: ۳۴ مطرح می‌شود و بر محبت و عشق به هم‌نوع به‌عنوان یک اصل اساسی در روابط اجتماعی تأکید دارد. این محبت فراتر از مرزهای گروهی و مذهبی است و شامل همه‌ی انسان‌ها می‌شود و زیربنای ایجاد جامعه‌ای بر اساس عشق و همدلی است. زیرشاخص‌های این شاخص شامل همدلی و درک متقابل (قرار دادن خود به جای دیگران و درک احساساتشان)، خدمت به دیگران (کمک به هم‌نوعان بدون چشم‌داشت)، احترام به کرامت انسانی (ارزش نهادن به شأن و منزلت انسان‌ها) و ایثار و فداکاری (گذشت از منافع شخصی برای کمک به دیگران) است. این دسته‌بندی چهارچوبی برای تربیت اجتماعی بر اساس آموزه‌های انجیل در سطح پل‌های اجتماعی ارائه می‌دهد.

قرآن: قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت، نه‌تنها به تقویت پیوندهای درونی امت اسلامی می‌پردازد، بلکه با ارائه‌ی آموزه‌هایی جامع، به ایجاد پل‌های اجتماعی با دیگر جوامع و ادیان نیز فرامی‌خواند. این رویکرد که در نظریه‌ی پل‌های اجتماعی به‌عنوان ایجاد ارتباطات بین‌گروهی برای تبادل اطلاعات، ایده‌ها و منابع و در نتیجه، گسترش همکاری و رفع تعارضات شناخته می‌شود، در آیات متعددی از قرآن به‌وضوح قابل‌مشاهده است. یکی از مهم‌ترین این آموزه‌ها تأکید بر گفتگوی محترمانه و منطقی با پیروان سایر ادیان است. آیه‌ی «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت: ۴۶)، به مسلمانان دستور می‌دهد که با اهل کتاب یعنی یهودیان، مسیحیان و دیگران، جز به نیکوترین روش گفتگو نکنند. عبارت «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» به معنای بهترین شیوه‌ی استدلال، احترام به عقاید طرف مقابل و پرهیز از توهین و تحقیر است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۵۷). این شیوه‌ی گفتگو نه‌تنها از بروز تعارضات جلوگیری می‌کند، بلکه زمینه‌ساز تبادل اطلاعات و ایده‌ها و درنهایت، تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌گردد. این دقیقاً همان کارکردی است که نظریه‌ی پل‌های اجتماعی برای آن قائل است: ایجاد پلی ارتباطی برای عبور از مرزهای گروهی و

رسیدن به درک متقابل. علاوه بر این، قرآن با تأکید بر اشتراکات اعتقادی میان اسلام و سایر ادیان ابراهیمی، گام مهمی برای ایجاد این پل‌ها برمی‌دارد. آیه‌ی یادشده (عنکبوت: ۴۶) و آیاتی که به ایمان به پیامبران پیشین اشاره دارند، به جای تمرکز بر اختلافات، بر مشترکات بنیادین مانند ایمان به خدای واحد و احترام به پیامبران الهی تأکید می‌کنند. این ارزش‌های مشترک به‌عنوان نقاط اتکا برای ایجاد پل‌های ارتباطی و کاهش تعصبات عمل می‌کنند و زمینه را برای همکاری و همزیستی فراهم می‌سازند. این همان «تبادل اطلاعات و ایده‌ها» است که در تعریف پل‌های اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است.

علاوه بر گفتگو و تأکید بر اشتراکات، قرآن با حلال شمردن برخی تعاملات اجتماعی، به ایجاد پل‌های عملی میان مسلمانان و پیروان سایر ادیان می‌پردازد. آیه‌ی «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الذِّينِ أَوْتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ...» (مائده: ۵) نشان می‌دهد که اسلام تعاملات اجتماعی مانند خوردن طعام اهل کتاب و ازدواج با زنان پاک‌دامن آنان را در شرایط خاصی مجاز دانسته است (تعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۲). این مجاز شمردن‌ها به‌عنوان پل‌های اجتماعی عمل می‌کند و زمینه را برای آشنایی بیشتر، کاهش تعصبات و افزایش همکاری فراهم می‌آورد. این نوع تعاملات به‌ویژه ازدواج می‌تواند به ایجاد پیوندهای خانوادگی و درنتیجه، درک عمیق‌تر از فرهنگ و باورهای طرف مقابل منجر شود؛ همچنین قرآن با تأکید بر عدالت و انصاف در تعامل با دیگران، حتی در شرایط دشمنی و اختلاف، به حفظ و تقویت این پل‌های ارتباطی می‌پردازد. آیه‌ی «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده: ۸) به مسلمانان یادآوری می‌کند که برای رسیدن به درجات بالای تقوا نباید دشمنی با گروهی، آنان را از رعایت عدالت بازدارد (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۵، ص ۵۵). عدالت‌ورزی به‌عنوان یک ارزش اخلاقی جهان‌شمول می‌تواند مانند یک پل اجتماعی قوی در ایجاد روابط سالم و پایدار با گروه‌های دیگر عمل کند و باعث ایجاد اعتماد و احترام متقابل گردد که برای هرگونه همکاری و همزیستی ضروری است. درنهایت، قرآن با نفی تفاخر نژادی و قومی در آیه‌ی «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)، زمینه را برای برابری و احترام متقابل میان همه‌ی انسان‌ها، صرف‌نظر از نژاد، قومیت و دین، فراهم می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۷۴) و بدین ترتیب، به ایجاد و تقویت پل‌های اجتماعی در سطح وسیع‌تر انسانی کمک می‌نماید.

مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن در سطح پل‌های اجتماعی، با توجه به آیات ارائه‌شده، در پنج شاخص اصلی و زیرشاخص‌های مرتبط با هرکدام دسته‌بندی می‌شود. شاخص نخست، گفتگوی محترمانه و سازنده است که بر اساس آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی عنکبوت بنا شده است و بر ضرورت گفتگوی مبتنی بر استدلال نیکو، پرهیز از توهین و جدال‌های مخرب با پیروان سایر ادیان تأکید دارد. زیرشاخص‌های این شاخص شامل احترام به عقاید دیگران (به رسمیت شناختن حق آزادی اندیشه و بیان)، پرهیز از توهین و تحقیر (خودداری از هرگونه گفتار یا رفتاری که موجب رنجش دیگران شود)، استفاده از استدلال منطقی (به‌کارگیری روش‌های استدلالی مبتنی بر عقل و منطق) و گوش دادن فعال (توجه به سخنان طرف مقابل و تلاش برای درک دیدگاه‌های او) است. شاخص

دوم، تأکید بر مشترکات و وحدت است که با استناد به آیات مربوط به ایمان به پیامبران پیشین، بر تمرکز بر وجوه اشتراک میان ادیان ابراهیمی و ایجاد وحدت و همدلی تأکید دارد. زیرشاخص‌های این شاخص عبارت‌اند از: شناخت مشترکات دینی (آشنایی با اصول و ارزش‌های مشترک میان ادیان)، تأکید بر وحدت انسانی (باور به اینکه همه‌ی انسان‌ها اعضای یک خانواده‌ی بزرگ هستند)، احترام به کرامت انسانی (ارزش نهادن به شأن و منزلت همه‌ی انسان‌ها) و همکاری در امور خیر (تشریک‌مساعی با پیروان سایر ادیان در انجام کارهای نیک). شاخص سوم، تعاملات اجتماعی مجاز است که بر اساس آیه‌ی ۵ سوره‌ی مائده، بر مجاز بودن برخی تعاملات اجتماعی مانند خوردن طعام اهل کتاب و ازدواج با آنان تأکید دارد و زیرشاخص‌های آن شامل روابط اجتماعی سالم (برقراری ارتباط دوستانه و محترمانه)، همکاری اقتصادی (انجام فعالیت‌های اقتصادی مشترک با رعایت اصول) و تبادل فرهنگی (آشنایی با آداب‌ورسوم و فرهنگ‌ها) است. شاخص چهارم، عدالت و انصاف است که بر پایه‌ی آیه‌ی ۸ سوره‌ی مائده بنا شده و بر ضرورت رعایت عدالت و انصاف در رفتار با همه‌ی افراد، حتی دشمنان، تأکید دارد و زیرشاخص‌های آن شامل رعایت حقوق دیگران (احترام به حقوق اساسی انسان‌ها)، پرهیز از تبعیض (رفتار یکسان با همه‌ی افراد) و دادگری و انصاف (تصمیم‌گیری بر اساس اصول عدالت) است. درنهایت، شاخص پنجم، نفی تفاخر و برتری‌جویی است که مبتنی بر آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی حجرات است و هرگونه تفاخر بر اساس نژاد و قومیت را نفی می‌کند و زیرشاخص‌های آن شامل فروتنی و تواضع (پرهیز از خودبینی)، احترام به تنوع فرهنگی (ارزش نهادن به تفاوت‌های فرهنگی) و برابری انسان‌ها (باور به برابری ذاتی همه‌ی انسان‌ها) است. این دسته‌بندی چهارچوبی جامع برای تربیت اجتماعی بر اساس آموزه‌های قرآنی در سطح پل‌های اجتماعی ارائه می‌دهد.

۴-۲-۱- مقایسه‌ی تطبیقی

مبانی تربیت اجتماعی در سطح پل‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن و انجیل، با وجود هدف مشترک ایجاد ارتباط میان گروه‌های مختلف، در رویکرد و تأکیدات خود تفاوت‌هایی دارند. هر دو کتاب بر اهمیت گفتگو و تعامل با دیگران تأکید دارند؛ اما قرآن با شاخص «گفتگوی محترمانه و سازنده» بر استدلال منطقی، احترام متقابل و پرهیز از توهین تأکید می‌کند، درحالی‌که انجیل با شاخص «تحمل و نداشتن مقاومت در برابر بدی»، بر تحمل رفتارهای ناپسند و حتی پیش بردن روی دیگر برای سیلی خوردن تأکید دارد. این تفاوت نشان می‌دهد که قرآن بر حفظ حقوق و منافع طرفین در گفتگو تأکید می‌کند و تعامل را بر پایه‌ی منطق و استدلال می‌داند، درحالی‌که انجیل تعامل را با نوعی گذشت و عقب‌نشینی یک‌طرفه، حتی در برابر بدی امکان‌پذیر می‌داند. هر دو کتاب بر وجود اشتراکات و وحدت میان انسان‌ها تأکید دارند؛ اما قرآن این اشتراکات را بیشتر در زمینه‌ی اصول اعتقادی مانند توحید و نبوت می‌بیند، درحالی‌که انجیل بر محوریت عشق و محبت به هم‌نوع تمرکز دارد. در زمینه‌ی تعاملات اجتماعی مجاز، قرآن با شاخص «تعاملات اجتماعی مجاز» به مواردی مانند خوردن طعام اهل کتاب و ازدواج با آنان اشاره می‌کند که نشان از پذیرش

تعاملات عملی و ملموس میان گروه‌ها دارد. در مقابل، انجیل با شاخص «نیکی به دشمنان»، دایره‌ی تعاملات را بسیار گسترده‌تر تعریف می‌کند و حتی نیکی به کسانی را توصیه می‌نماید که به ما بدی کرده‌اند. در زمینه‌ی عدالت و انصاف، قرآن با شاخص «عدالت و انصاف»، بر رعایت عدالت حتی درباره‌ی دشمنان تأکید دارد و آن را وظیفه‌ای دینی می‌داند. این در حالی است که در انجیل، مفهوم عدالت به‌طور مستقیم و با این تأکید مطرح نشده، بلکه بیشتر بر بخشش و گذشت تأکید شده است. درنهایت، هر دو کتاب تفاجر و برتری‌جویی را نفی می‌کنند؛ اما قرآن آن را در قالب نفی تفاجر نژادی و قومی و تأکید بر تقوا به‌عنوان معیار برتری مطرح می‌کند، درحالی‌که انجیل آن را در قالب فروتنی و تواضع و خدمت به دیگران بیان می‌نماید. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که قرآن در ایجاد پل‌های اجتماعی بر حفظ حقوق، عدالت و استدلال منطقی تأکید بیشتری دارد، درحالی‌که انجیل بخشش، گذشت و تحمل را به‌عنوان محور اصلی تعاملات بین‌گروهی مطرح می‌کند.

۳-۴- پیوندها با نهادها

انجیل: با توجه به تعریف پیوند با نهادها به‌عنوان میزان اعتماد و مشارکت افراد در نهادهای اجتماعی مانند دولت، نظام آموزشی، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد که موجب تقویت حس شهروندی، افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی و کارآمدی بیشتر نهادها می‌شود، می‌توان دیدگاه انجیل را با استناد به آیات ارائه‌شده تحلیل کرد. آموزه‌های انجیل درباره‌ی پیوند با نهادها، عمدتاً بر دو محور اصلی استوار است: اطاعت از حکومت و خدمت به جامعه. درباره‌ی اطاعت از حکومت، رومیان (۱۳: ۷-۱) به‌تفصیل به این موضوع می‌پردازد و اطاعت از «حکومت‌های بالادست» را به‌عنوان یک وظیفه دینی مطرح می‌کند؛ زیرا قدرت حکومت را ناشی از اراده الهی می‌داند. این اطاعت نه‌تنها به سبب ترس از مجازات، بلکه به علت «ضمیر خود» و به‌عنوان یک وظیفه‌ی اخلاقی توصیه می‌شود. این بخش از انجیل، پرداخت مالیات به حکومت را نیز به‌عنوان بخشی از همین اطاعت و ادای حق حکومت تلقی می‌کند. متی (۲۲: ۲۱) نیز با عبارت «پس مال قیصر را به قیصر و مال خدا را به خدا بدهید»، به‌طور خلاصه بر لزوم تفکیک حقوق حکومت و حقوق الهی و درعین‌حال، لزوم ادای هر دو حق تأکید می‌کند. این آموزه‌ها مبنای تعامل مسیحیان با نهادهای حکومتی را شکل می‌دهد و بر لزوم اطاعت از قوانین و مشارکت در تأمین هزینه‌های جامعه تأکید دارد. درباره‌ی خدمت به جامعه، متی (۲۸: ۲۰) با بیان «بسر انسان نیامد تا خدمت شود، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد»، الگویی از خدمت‌گزاری و فداکاری را ارائه می‌دهد. این آموزه‌ها نه‌تنها به خدمت در کلیسا و جامعه‌ی ایمانی، بلکه به خدمت در جامعه به‌طورکلی و مشارکت در بهبود شرایط زندگی دیگران نیز قابل‌تعمیم است. درواقع، انجیل با تأکید بر محبت به هم‌نوع و خدمت به نیازمندان در سایر بخش‌ها، زمینه را برای مشارکت فعال در امور اجتماعی و همکاری با نهادهای مختلف جامعه فراهم می‌سازد. درمجموع، می‌توان گفت که انجیل با تأکید بر اطاعت از حکومت و خدمت به جامعه، مبنای

پیوند با نهادها را بر پایه‌ی پذیرش نظم اجتماعی موجود، مشارکت در امور جامعه و ادای حقوق قانونی تعریف می‌کند. این رویکرد به تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت مدنی و بهبود عملکرد نهادها کمک می‌کند.

مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه انجیل در سطح پیوند با نهادها، با توجه به آموزه‌های ارائه‌شده، در دو شاخص اصلی و زیرشاخص‌های مرتبط با هرکدام دسته‌بندی می‌شود. شاخص نخست، اطاعت از حکومت است که با استناد به رومیان ۱۳: ۱-۷ و متی ۲۲: ۲۱، بر لزوم اطاعت از حکومت‌های بالادست و قوانین آن‌ها تأکید دارد. این اطاعت نه صرفاً به‌عنوان یک وظیفه‌ی مدنی و از ترس مجازات، بلکه به‌عنوان یک وظیفه‌ی دینی و اخلاقی ناشی از اعتقاد به منشأ الهی قدرت حکومت تلقی می‌شود. این شاخص چهارچوب تعامل مؤمنان با نهادهای حکومتی را مشخص می‌کند و بر رعایت قوانین و مشارکت در تأمین هزینه‌های جامعه از طریق پرداخت مالیات تأکید می‌ورزد. زیرشاخص‌های این شاخص عبارت‌اند از: رعایت قوانین (پذیرش و پیروی از قوانین و مقررات)، پرداخت مالیات (ادای مالیات به‌عنوان وظیفه‌ی شهروندی و دینی)، احترام به مسئولان (احترام به مقام و جایگاه مسئولان) و مشارکت در امور مدنی (شرکت در فعالیت‌های مدنی مانند انتخابات). شاخص دوم، خدمت به جامعه است که با استناد به متی (۲۰: ۲۸) و آموزه‌های مربوط به محبت به هم‌نوع، بر اهمیت خدمت به جامعه و مشارکت در بهبود شرایط زندگی دیگران تأکید دارد. این خدمت محدود به جامعه‌ی ایمانی نیست و شامل همه‌ی افراد جامعه، صرف‌نظر از باورها و تعلقاتشان می‌شود. این شاخص مؤمنان را به ایفای نقش فعال در جامعه و تلاش برای بهبود وضعیت آن تشویق می‌کند. زیرشاخص‌های این شاخص عبارت‌اند از: خدمت به نیازمندان (کمک به فقرا، بیماران و سایر نیازمندان)، مشارکت در فعالیت‌های خیریه (همکاری با سازمان‌های خیریه و مردم‌نهاد)، ترویج عدالت اجتماعی (تلاش برای برقراری عدالت و رفع تبعیض)، حفاظت از محیط‌زیست (مراقبت از محیط‌زیست و منابع طبیعی) و آموزش و فرهنگ‌سازی (مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی). این دسته‌بندی چهارچوبی برای تربیت اجتماعی بر اساس آموزه‌های انجیل در سطح پیوند با نهادها ارائه می‌دهد که بر تعادل میان اطاعت از حکومت و خدمت به جامعه تأکید دارد.

قرآن: با توجه به تعریف ارائه‌شده از پیوند با نهادها به‌عنوان میزان اعتماد و مشارکت افراد در نهادهای اجتماعی مانند دولت، نظام آموزشی، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد که موجب تقویت حس شهروندی، افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی و کارآمدی بیشتر نهادها می‌شود، می‌توان دیدگاه قرآن را در این زمینه تحلیل کرد. آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء: ۵۹) به‌وضوح بر اطاعت از خدا، پیامبر و «اولی الامر» تأکید دارد. برخی از مفسران اهل سنت مانند ابوهریره، ابن عباس، میمون بن مهران، سُدی، جبائی، بلخی و طبری معتقدند، اُولی الْأَمْرِ به معنای حاکمان و امیران است. از سوی دیگر، مفسران دیگری مانند جابر بن عبدالله، ابن عباس (در روایت دیگر)، مجاهد، حسن، عطا و برخی دیگر از مفسران اعتقاد دارند که منظور از اُولی الْأَمْرِ علما و دانشمندان دینی هستند که مردم باید در امور دینی و فقهی

به آنان رجوع کنند؛ همچنین در مذهب شیعه، گروهی از مفسران باور دارند که اُولی الْأَمْرِ به امامان معصوم از خاندان پیامبر^(ع) اشاره می‌کند که اطاعت از آنان به واسطه عصمت و پاکی‌شان واجب است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۹۹). حتی اگر فرض کنیم که این آیه به اطاعت مردم از حکومت اشاره دارد، بازهم این اطاعت بی‌قید و شرط نیست. اطاعت از «اولی الامر» به معنای پذیرش ساختارها و قوانین جامعه و مشارکت در اداره‌ی امور آن است. باین‌حال، ادامه‌ی آیه «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...» نشان می‌دهد که اطاعت از نهادها نباید مطلق و بدون قید و شرط باشد. در صورت بروز اختلاف، مراجعه به اصول و ارزش‌های دینی (کتاب خدا و سنت پیامبر) به‌عنوان یک مرجع بالاتر، راهکاری برای حل اختلافات و حفظ انسجام جامعه ارائه می‌دهد. این سازوکار از تبدیل اطاعت به اطاعت کورکورانه جلوگیری می‌کند و بر اهمیت نقد سازنده و اصلاح نهادها تأکید دارد؛ از همین روست که تشیع باور دارد، در صورتی که امامان حکومت می‌کردند تمدن اسلامی مسیر بهتری پیش می‌گرفت؛ زیرا اطاعت از امامان به‌عنوان حاکم، پیوندی متعالی میان مردم و حکومت برقرار می‌کرد. آیه‌ی «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده: ۲) اصل بنیادین دیگری در زمینه پیوند با نهادهاست. این آیه بر اهمیت همکاری و مشارکت در امور خیر و پرهیز از همکاری در امور شر تأکید می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۵۰). این اصل نه‌تنها شامل همکاری‌های فردی، بلکه شامل همکاری با نهادهای اجتماعی نیز می‌شود. مسلمانان موظف‌اند با نهادهایی که برای نیکی و پرهیزگاری فعالیت می‌کنند، همکاری نمایند و از همکاری با نهادهایی که به گناه و تجاوز می‌پردازند، خودداری کنند. دستور پرداخت زکات «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره: ۴۳) نیز بر اهمیت نهادهای مالی در جامعه‌ی اسلامی تأکید دارد. نماز به‌عنوان عبادتی فردی و اجتماعی، پیوند افراد با خدا و با یکدیگر را تقویت می‌کند و زکات به‌عنوان یک سازوکار مالی، به توزیع عادلانه‌ی ثروت و کاهش فقر در جامعه کمک می‌نماید (سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۸۹) در مجموع، می‌توان گفت که قرآن با ارائه‌ی این آموزه‌ها، بر اهمیت پیوند با نهادهای اجتماعی در سطوح مختلف تأکید دارد و چهارچوبی را برای مشارکت سازنده، نقد منصفانه و اصلاح نهادها ارائه می‌دهد. این رویکرد به تقویت حس شهروندی، افزایش مشارکت اجتماعی و کارآمدی بیشتر نهادها در جامعه‌ی اسلامی کمک می‌کند.

مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن در سطح پیوند با نهادها، در پنج شاخص اصلی و زیرشاخص‌های مرتبط با هرکدام دسته‌بندی می‌شود. شاخص نخست، اطاعت و مشارکت در حکومت است که با استناد به آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی نساء، بر لزوم اطاعت از صاحبان امر و مشارکت در اداره امور جامعه تأکید می‌کند. این اطاعت مشروط به تعارض نداشتن با احکام الهی است و مرجع نهایی در صورت بروز اختلاف، قرآن و سنت پیامبر است. زیرشاخص‌های این شاخص شامل احترام به قانون (پذیرش و رعایت قوانین)، مشارکت در انتخابات (شرکت فعال در انتخابات)، پرداخت مالیات (انجام وظایف شهروندی)، نظارت بر عملکرد مسئولان (مطالبه‌گری و نظارت) و امر به معروف و نهی از منکر (تلاش برای اصلاح جامعه) است. شاخص دوم، همکاری در نیکی و

پرهیزگاری است که با استناد به آیه، بر اهمیت همکاری با نهادهای فعال برای خیر و صلاح جامعه و پرهیز از همکاری با نهادهای فاسد تأکید دارد. زیرشاخص‌های این شاخص عبارت‌اند از: همکاری با نهادهای خیریه (مشارکت در فعالیت‌های خیریه)، حمایت از نهادهای آموزشی و فرهنگی (کمک به ارتقای سطح آموزش و فرهنگ)، مبارزه با فساد (مقابله با فساد در نهادها) و ترویج اخلاق نیکو (تلاش برای گسترش فضایل اخلاقی). شاخص سوم، تقویت نهاد خانواده است که با استناد به آیات مربوط به ازدواج، بر اهمیت تشکیل خانواده و تقویت این نهاد به‌عنوان بنیادی‌ترین واحد اجتماعی تأکید می‌کند. زیرشاخص‌های این شاخص شامل تشکیل خانواده (ترغیب به ازدواج)، احترام به والدین (اهمیت نهادن به جایگاه والدین)، تربیت فرزندان (تربیت فرزندان بر اساس اصول اخلاقی و دینی) و حفظ استحکام خانواده (تلاش برای تقویت پیوندهای خانوادگی) است. شاخص چهارم، برادری و همدلی میان مؤمنان است که با استناد به آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، بر ایجاد حس برادری و همدلی و مسئولیت‌پذیری در قبال یکدیگر تأکید دارد. زیرشاخص‌های این شاخص شامل کمک به هموعان (حمایت از نیازمندان)، همدردی با دیگران (ابراز همدردی در شادی‌ها و غم‌ها)، عیادت از بیماران (سرکشی از بیماران) و حل اختلافات (تلاش برای حل اختلافات) است. شاخص پنجم، تقویت نهادهای دینی و مالی است که با استناد به دستورهای مربوط به اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات، بر اهمیت تقویت نهادهای دینی و مالی تأکید می‌کند. زیرشاخص‌های این شاخص شامل مشارکت در فعالیت‌های مذهبی (شرکت در نمازهای جماعت و ...)، پرداخت زکات و سایر وجوهات شرعی (انجام وظایف مالی دینی) و حمایت از مساجد و مراکز دینی (کمک به رونق مساجد) است. این دسته‌بندی چهارچوبی برای تربیت اجتماعی بر اساس آموزه‌های قرآن در سطح پیوند با نهادها ارائه می‌دهد.

۱-۳-۴- مقایسه‌ی تطبیقی

مبانی تربیت اجتماعی در سطح پیوند با نهادها از دیدگاه قرآن و انجیل، در عین اشتراک در برخی اصول کلی، در تأکیدات و گستره‌ی شمول خود تفاوت‌هایی دارند. هر دو کتاب بر اهمیت اطاعت از حکومت و قوانین تأکید دارند و آن را وظیفه‌ای دینی و اخلاقی می‌دانند. با این حال، قرآن با افزودن قید «تعارض نداشتن با احکام الهی» و ارجاع اختلافات به قرآن و سنت، بر محدودیت اطاعت و اهمیت نقد سازنده تأکید می‌کند، درحالی‌که انجیل اطاعت از حکومت را تقریباً بدون قید و شرط و ناشی از اراده‌ی الهی می‌داند. در زمینه‌ی خدمت به جامعه، هر دو کتاب بر اهمیت آن تأکید می‌کنند؛ اما قرآن با شاخص‌هایی مانند «همکاری در نیکی و پرهیزگاری»، «برادری و همدلی میان مؤمنان» و «تقویت نهادهای دینی و مالی»، بر مشارکت در امور خیر، تقویت پیوندهای درون جامعه‌ی اسلامی و حمایت از نهادهای دینی تأکید بیشتری دارد. در مقابل، انجیل با تأکید بر «محبت به هم‌نوع» و خدمت به همه‌ی افراد جامعه، دایره‌ی شمول خدمت را گسترده‌تر تعریف می‌نماید و بر جنبه‌های عام‌المنفعه و فرادینی خدمت تأکید دارد؛ همچنین قرآن با شاخص «تقویت نهاد خانواده» به‌طور خاص به اهمیت این نهاد به‌عنوان پایه‌ی جامعه اشاره می‌کند.

درحالی‌که در انجیل این موضوع به این صراحت و به‌عنوان یک شاخص مستقل مطرح نشده است. در مجموع، می‌توان گفت که قرآن در زمینه‌ی پیوند با نهادها، بر تعادل میان اطاعت از حکومت و مشارکت در امور جامعه، با تأکید ویژه بر تقویت جامعه‌ی اسلامی و نهادهای دینی و خانوادگی متمرکز است. در مقابل، انجیل بر اطاعت از حکومت به‌عنوان یک اصل اساسی و خدمت به همه‌ی افراد جامعه، صرف‌نظر از دین و باورشان، تأکید بیشتری دارد.

جدول شماره ۱. مقایسه‌ی تطبیقی مبانی تربیت اجتماعی قرآن مبتنی بر شاخص‌های نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی

شاخص سرمایه‌ی اجتماعی	دیدگاه تربیتی قرآن (رویکرد تربیتی)	دیدگاه تربیتی انجیل (رویکرد تربیتی)	مقایسه‌ی قرآن و انجیل
پیوندهای اجتماعی (تربیت درون‌گروهی)	خانواده: تربیت بر پایه‌ی احترام (به‌ویژه سالمندان)، مسئولیت‌پذیری، مودت و رحمت (آموزش مهارت‌های ارتباطی) جامعه‌ی ایمانی: پرورش نوع‌دوستی، آموزش مهارت‌های اجتماعی، تقویت مشارکت و مسئولیت جمعی امت اسلامی: تقویت هویت جمعی	- خانواده: تربیت بر پایه‌ی محبت، فداکاری و خدمت جامعه‌ی ایمانی: پرورش همدلی و کمک به نیازمندان، گسترش دایره‌ی شمول روابط اجتماعی (دوست داشتن همسایه)	هر دو بر اهمیت خانواده و ارزش‌های آن تأکید دارند. قرآن بر نظم، مسئولیت و مشارکت اجتماعی و انجیل بر محبت، فداکاری و گستردگی روابط تأکید می‌کند.
پل‌های اجتماعی (تربیت بین‌گروهی)	- گفتگو: آموزش گفتگوی محترمانه و منطقی - اشتراکات: تأکید بر اشتراکات اعتقادی - تعاملات: مجاز دانستن برخی تعاملات اجتماعی - عدالت: تأکید بر رعایت عدالت حتی با دشمنان - نفی تفاخر: نفی برتری نژادی و قومی	- بخشش: آموزش بخشش خطاها - تحمل: تأکید بر تحمل رفتارهای ناپسند - نیکی به دشمنان: آموزش رفتار نیکو با دشمنان - محبت: تأکید بر محبت به هم‌نوع.	هر دو بر اهمیت گفتگو تأکید دارند. قرآن بر منطق، استدلال و حفظ حقوق و انجیل بر بخشش، تحمل و محبت متمرکز است.
پیوند با نهادها (تربیت شهروندی)	- حکومت: آموزش اطاعت (مشروط) و مشارکت (انتخابات، مالیات، نظارت) - همکاری: تأکید بر همکاری در امور خیر - همدلی: آموزش حس برادری و مسئولیت‌پذیری - نهادهای دینی/مالی: تأکید بر اهمیت نهادهای دینی (نماز) و مالی (زکات)	- حکومت: آموزش اطاعت از حکومت - جامعه: تأکید بر خدمت به همه‌ی افراد جامعه	هر دو بر اطاعت از حکومت و خدمت به جامعه تأکید دارند. قرآن بر مشارکت فعال و تقویت نهادهای جامعه‌ی اسلامی و انجیل بر اطاعت و خدمت به همه‌ی افراد متمرکز است.

۵- نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی قرآن و انجیل نشان داد که هر دو منبع الهی به تقویت پیوندهای اجتماعی درون‌گروهی اهمیت فراوانی داده‌اند؛ اما رویکرد آن‌ها متفاوت است. قرآن با تأکید بر اصول عدالت، انصاف و حفظ حقوق افراد، چهارچوب مشخصی برای ایجاد اعتماد و انسجام درون‌گروهی ارائه می‌دهد. ارزش‌هایی مانند احسان به والدین، مسئولیت‌پذیری در خانواده و رعایت حقوق دیگران نقش مهمی در تقویت پیوندهای اجتماعی درون‌گروهی ایفا می‌کنند. در مقابل، انجیل با محور قرار دادن محبت و فداکاری، بر بُعد عاطفی و ایثارگرانه‌ی روابط درون‌گروهی تأکید بیشتری دارد. آموزه‌هایی مانند عشق به همسایه و پذیرش دیگران بدون قید و شرط نشان‌دهنده‌ی تأکید انجیل بر ایجاد انسجام اجتماعی از طریق محبت و همدلی است.

در قرآن، ایجاد پل‌های اجتماعی بین‌گروهی بر اساس اصول عقلانیت، عدالت و احترام متقابل شکل می‌گیرد. قرآن به گفتگوی منطقی و عادلانه، حفظ حقوق طرفین و نفی تهاجر و برتری‌جویی تأکید می‌کند. این رویکرد زمینه‌ساز تعاملات سازنده و مبتنی بر احترام متقابل میان گروه‌های مختلف است. در مقابل، انجیل با تأکید بر بخشش، گذشت و نیکی به دشمنان، رویکردی ایثارگرانه و مبتنی بر محبت بی‌قیدوشرط را توصیه می‌نماید. آموزه‌هایی مانند «دشمنان را دوست بدارید» و «اگر کسی به تو سیلی زد، طرف دیگر صورتت را نیز پیش ببر»، نشان‌دهنده‌ی تأکید انجیل بر ایجاد پل‌های اجتماعی از طریق محبت و فداکاری است.

قرآن بر تعادل میان اطاعت از حکومت و مشارکت فعال در امور جامعه تأکید دارد. این رویکرد با تمرکز بر تقویت نهادهای دینی و خانوادگی، زمینه‌ساز اعتماد و مشارکت مؤثر در نهادهای اجتماعی است. قرآن به‌ویژه بر اصول عدالت و انصاف در تعامل با نهادها تأکید می‌کند و مسئولیت‌پذیری افراد را در حفظ و بهبود نهادها موردتوجه قرار می‌دهد. در مقابل، انجیل اطاعت از حکومت را تقریباً بدون قید و شرط و خدمت به همه‌ی افراد جامعه را صرف‌نظر از دین و باورشان توصیه می‌کند. این رویکرد نشان‌دهنده‌ی تأکید انجیل بر ایثار و فداکاری در تعامل با نهادهای اجتماعی است.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش تفاوت در نحوه‌ی مواجهه با مسئله‌ی «حق» و «ایثار» در قرآن و انجیل است. قرآن در مبانی تربیت اجتماعی خود، بر حفظ حقوق افراد در سطوح مختلف (خانواده، جامعه، روابط بین‌گروهی و پیوند با نهادها) تأکید ویژه‌ای دارد. عدالت، انصاف و رعایت حقوق دیگران از اصول بنیادین تربیت اجتماعی در قرآن به‌شمار می‌روند. در مقابل، انجیل با تأکید بر ایثار و گذشت، حتی در مواردی که حق فرد تضییع شده باشد، رویکرد متفاوتی را ارائه می‌دهد. این تفاوت‌ها ناشی از شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی شکل‌گیری این دو دین است. به‌طورکلی، قرآن الگویی مبتنی بر عدالت، نظم و مشارکت اجتماعی را ارائه می‌دهد، درحالی‌که انجیل الگویی مبتنی بر محبت، ایثار و فداکاری را توصیه می‌کند.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی انصاریان؛ وبسایت پارس قرآن.
- کتاب مقدس، عهد جدید؛ تهران: اساطیر.
- ابن‌عاشور، محمدطاهر؛ تفسیر التحرير و التنوير؛ تونس: الدار التونسية للنشر، ۱۹۸۴ م.
- ارشادی‌مقدم، منا؛ نقش ادیان در گفتمان تمدن‌سازی؛ دین و دینداری، ۱۳۹۵ ش.
- اسلامی، ادريس؛ محمدی، آزاد؛ احمدآبادی آرانی، نجمه؛ رشیدی، حسن؛ «اصول و روشهای تربیت اجتماعی مبتنی بر سه رویکرد جامعه‌شناختی کلان‌نگر، خردنگر و تلفیقی»؛ تعلیم و تربیت، ۱۴۰۲ ش.
- افقری، منتظرالقائم؛ فرهنگ و تمدن اسلامی در نظرگاه استاد شهید مرتضی مطهری (با تأکید بر نظام‌سازی فرهنگی)؛ «علم و تمدن در اسلام، ۱۴۰۲ ش.
- ثعلبی، احمدبن‌محمد؛ ساعدی، نظیر؛ ابن‌عاشور، ابی‌محمد؛ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن؛ بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ جامعه در قرآن؛ قم: اسراء، ۱۳۹۱ ش.
- حسینی، سیده لطیفه؛ محمدزاده، ناهید؛ «فرادینی یا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه»؛ مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره‌ی ۱۳، دوره‌ی ۶، ۱۳۹۶ ش.
- رحیمی (روشن)، حسن و احمد امین‌پور؛ «بررسی سیاست اسلام نسبت به برده‌داری، در آیات قرآن»؛ مطالعات اجتماعی قرآن، شماره‌ی ۳، دوره‌ی ۱، ۱۴۰۳ ش.
- رسولی، عصمت؛ دل‌قندی، جلال؛ خنیفر، سلیمی؛ «تربیت به منزله‌ی یک سرمایه‌ی اجتماعی در پسامدرن»؛ مدیریت سرمایه‌ی اجتماعی، ۱۴۰۳ ش.
- زمخشری، محمودبن‌عمر؛ حسین احمد، مصطفی؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷-۱۴۱۴ ق.
- زندیه، مهدی؛ «تأثیر دین بر گسترش معماری در ایران و جهان»؛ پژوهش‌های علم و دین، ۱۳۹۸ ش.
- سلطان‌علی‌شاه، سلطان محمدبن‌حیدر؛ بیان السعادة فی مقامات العبادة؛ بیروت - لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
- سیوطی، عبدالرحمن‌بن‌ابی‌بکر؛ ترکی، عبدالله‌بن‌عبدالمحسن؛ یمامه، عبدالسند حسن؛ مرکز هجر للبحوث و الدراسات العربیة و الاسلامیة؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ قاهره: مرکز هجر للبحوث و الدراسات العربیة و الاسلامیة، ۱۴۲۴ ق.
- صیامی، لیلا؛ سرمدی، محمدرضا؛ ملکی، حمید؛ فرج‌اللهی، مهران؛ «شناسایی عوامل زمینه‌ساز و مؤثر در الگوی تربیت اجتماعی متناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره ابتدایی با تأکید بر اسناد بالادستی»؛ سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۱۴۰۲ ش.
- طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۸۶ ق.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ مجمع البیان؛ بیروت - لبنان: دار المعرفة، ۱۴۰۸ ق.
- طبری، محمدبن‌جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت - لبنان: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.

- طوسی، محمدبن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، بی تا
- فخر رازی، محمدبن عمر؛ مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- قلی‌پور، حسن؛ «ازدواج در ادیان الهی و فرهنگ اجتماعی و تأثیر آن در جنبه‌های حقوقی و اجتماعی»؛ جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۱۳۹۳ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ آشتیانی، محمدرضا؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
- ممتحن، محمدی، گردآفرین؛ «بررسی تجلی و حضور مضامین دینی در ادبیات فارسی پیش از قرن هفتم»؛ مطالعات ادبی متون اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
- نوایی؛ «اخلاق اجتماعی، سرمایه‌ی معنویت دینی»؛ پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره‌ی ۹۵، ۱۳۹۱ ش.
- Coleman, J. S. Social capital in the creation of human capital. American journal of sociology, 1988.
- Putnam, R. D. Social capital and public affairs. Bulletin of the American Academy of Arts and Sciences, 1994
- Alpino, M., & Mehlum, H. Two notions of social capital. The Journal of Mathematical Sociology, 2023.
- Chetty, R., Jackson, M. O., Kuchler, T., Stroebel, J., Hendren, N., Fluegge, R. B., ... & Wernerfelt, N. Social capital I: measurement and associations with economic mobility. Nature, 2022
- Jhang, F. H. Bonding social capital and political participation: the mediating role of political interest. The Social Science Journal, 2021
- Claridge, T. Functions of social capital—bonding, bridging, linking. Social capital research, 2018

